

روش‌شناسی پژوهش انتقادی در تربیت به روایت ویلفرد کار

علی لطیفی^۱

بیان مسأله

تمرکز اصلی در پژوهش حاضر بر این مسئله خواهد بود که روش پژوهش در تربیت از دیدگاه ویلفرد کار چیست و آیا می‌توان با تکیه بر نظریه انتقادی، راه حلی برای مشکل شکاف بین نظریه و عمل ارائه داد؟ این پژوهش علاوه بر بررسی مهم‌ترین آراء کار در این‌باره، به تحلیل و نقادتی مبنایی این دیدگاه نیز می‌پردازد. مهم‌ترین مبنای دیدگاه وی نظریه‌ی کنش ارتباطی یورگن هابرماس (به عنوان چهره‌ی شاخص دوره متأخر مکتب انتقادی فرانکفورت) است، هرچند که به نظر می‌رسد ویلفرد کار در برخی آثار متأخر خود، به برخی تعدیلات هابرماس در این نظریه‌اش توجهی نداشته است.

سؤالات پژوهش

- 1) از نظر ویلفرد کار، پژوهش در تربیت چه ویژگی‌هایی داشته و به چه روشی انجام می‌گردد؟
- 2) دیدگاه ویلفرد کار درباره پژوهش تربیتی در چه بخشها و زمینه‌هایی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی است؟
- 3) مهم‌ترین انتقادات وارد بر نظریه کنش ارتباطی، و به تبع آن، دیدگاه ویلفرد کار کدامند؟

چارچوب نظری

هر یک از روش‌شناسی‌های پژوهش در تربیت مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی ویژه‌ی خود است و بخش قابل توجهی از درجه‌ی اعتبار خود را از اعتبار آن مبانی کسب می‌نماید و پژوهش انتقادی در تربیت نیز از این مسئله مستثنا نیست. همچنین، داوری و نقادی این مبانی نیز امری ممکن بوده و بلکه برای سنجش عیار دیدگاه‌های مبتنی بر آنها ضروری است. با توجه به این دو

salehlatifi@gmail.com

¹-دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم



مفروضه‌ی بنیادین، چارچوب کلی پژوهش حاضر بدین صورت خواهد بود که پس از معرفی کوتاه ویلفرد کار و یورگن هابرماس، به تبیین مفاهیمی همچون تربیت، نظریه و عمل از دیدگاه ویلفرد کار پرداخته، سپس الگوی وی در پژوهش تربیتی را ارائه می‌نماید. پس از آن، ضمن تبیین کوتاه مهم‌ترین عناصر نظریه کنش ارتباطی هابرماس، روابط این نظریه با دیدگاه ویلفرد کار بررسی می‌گردد و سپس، مهم‌ترین ملاحظات انتقادی بر دیدگاه کار مطرح می‌شود. نقطه‌ی کانونی در این انتقادات، نقدهایی مبنایی هستند که ناظر به مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی دیدگاه کار (یعنی نظریه‌ی کنش ارتباطی هابرماس) می‌باشند و آشکارکننده‌ی ضعف‌های پنهان در بنیادهای این رویکرد پژوهشی می‌باشند.

روش‌ها

روش عمده در این پژوهش، روش توصیفی تحلیلی است؛ بدین صورت که پس از توصیف دیدگاه کار درباره پژوهش تربیتی و دیدگاه هابرماس درباره کنش ارتباطی و ارتباط آن دو، به تحلیل انتقادی این دیدگاه‌ها و روابطشان پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

- 1) ویلفرد کار با توجه مناسب نسبت به ماهیت عملی تربیت، پژوهش نظریه‌پردازی تربیتی را تنها در فضایی گفتمانی، ناظر به عمل و با مشارکت کسانی که عمل معطوف به آنهاست انجام‌پذیر می‌داند.
- 2) به باور کار، پژوهش در یک علم انتقادی در یک فرآیند سه مرحله‌ای و کاملاً مرتبط با عمل شکل می‌گیرد: صورت‌بندی قضایای انتقادی، سازمان‌دهی فرآیند روشنگری و سازمان‌دهی عمل. در تمامی این مراحل، گفتمان آزاد و اجماع حاصل از آن است که در نقطه‌ی کانونی روش و نظریه قرار دارد. هیچ شناخت و فهمی به صورت پیشینی یا صرفاً به خاطر این که از جانب شخص خاصی مطرح می‌شود، صحیح و درست نیست و صدق آن، موکول به اجماع گفتمانی بر آن است.
- 3) مهم‌ترین روش در روش‌شناسی انتقادی کار، کنش پژوهی (اقدام پژوهی) است که از زنجیره‌ای از چرخه‌های برنامه‌ریزی، عمل، مشاهده، بازاندیشی و سپس باز-برنامه‌ریزی، عمل مجدد،



مشاهده‌ی دوباره و بازاندیشی دوباره تشکیل می‌شود. به باور کار، یک حلقه‌ی واحد از برنامه‌ریزی، کنش، مشاهده و بازاندیشی تنها یک شروع است و اگر فرآیند در اینجا متوقف شود، اصلاً نمی‌توان بر آن اسم کنش‌پژوهی گذاشت.

4) به‌رغم توجه مناسب ویلفرد کار به ماهیت عملی تربیت، مبتنی کردن نظام و فرآیند پژوهش تربیتی به صورت مطلق بر نظریه کنش ارتباطی این دیدگاه وی را دچار تنگناهای معرفتی بسیاری نموده که مهم‌ترین آن، خودبراندازانه بودن این دیدگاه و نسبت مستبطن در آن است.

5) هرچند هابرماس در برخی آثار متأخر خود، تعدیلاتی نسبت به نظریه خویش انجام داده که بر اساس آنها، چرخشی از نظریه اجماعی صدق به سوی نظریه مطابقت در صدق داشته است، اما نپرداختن ویلفرد کار به این تعدیلات، اشکالات دیدگاه وی را پایدارتر نموده است.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات

هرچند چارچوبی که ویلفرد کار برای نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت ارائه می‌نماید، دچار ضعف‌های مبنایی قابل توجهی است، لکن با توجه به تعدیلات هابرماس نسبت به نظریه‌ی خویش از یک سو و با ملاحظه‌ی نقاط محوری انتقادات طرح شده، توصیه‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی واقع‌گرایی صدراپی از سویی دیگر، تصویری کلی از امکان بازتعریف و جایگاه‌یابی مناسب برای دیدگاه ویلفرد کار در نظام پژوهش تربیتی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: پژوهش تربیتی انتقادی، نظریه تربیتی، کنش ارتباطی، اقدام‌پژوهی، ویلفرد کار.

منابع

- 1- پایلوت، هرال (1385): *فلسفه‌ی تاریخ هابرماس*، در: *جامعه‌شناسی انتقادی*، ویراسته‌ی پل کانرتون، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- 2- لطیفی، علی (1388): *تبیینی از چیستی نظریه و چگونگی نظریه‌پردازی تربیتی و نقد آن بر اساس واقع‌گرایی صدراپی*؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش، دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.



- 3- مک‌کارتی، توماس ای. (1385): *نظریه‌ای درباره‌ی توانش ارتباطی*، در: *جامعه‌شناسی انتقادی*، ویراسته‌ی پل کانرتون، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- 4- نودری، حسینعلی (1386): *بازخوانی هابرماس*؛ تهران: نشر چشمه (چاپ دوم).
- 5- Benton, Ted & Craib, Ian (2001): *Philosophy of Social Science*; New York, Palgrave.
- 6- Carr, Wilfred and Kemmis, Stephen (1986): *Becoming Critical: education, Knowledge and Action research*; London, Routledge Farmer (2004 e-book version).
- 7- Carr, Wilfred (1995): *For Education: towards Critical Educational Inquiry*; Buckingham: Open University Press.
- 8- Carr, Wilfred (2006a): *Education without Theory*; in: *British Journal of Educational Studies*, v.54, n.2, pp. 136-159, Malden: Blackwell Publishing. (online at: <http://www.philosophy-of-education.org/pdfs/Saturday/Carr.pdf>, last accessed at November 10, 2009).
- 9- Carr, Wilfred (2006b): *Philosophy, Methodology and Action Research*; in: *Journal of Philosophy of Education*, Vol. 40, No. 4, pp. 421-435, Oxford: Blackwell Publishing.
- 10- Edgar, Andrew (2006): *Habermas, the Key Concepts*; London: Routledge.
- 11- Finlayson, James Gordon (2005): *Habermas, a very short introduction*; Oxford: Oxford University Press.